

Case 40

پرونده شماره : ۴۰
 شعبه
 حکم شماره : ۵۰ - ۴۰ - ۳

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دادگاه داوری دعوی ایران - ایالات متحده
FILED -	
Date	۱۳۶۲ / ۳ / ۱۸
	8 JUN 1983
No.	40
	۴۰

آر. ان . پا مروی ، ک. اس . پا مروی و
 آر. ام . پا مروی ،
 خواهانها ،

- و -

دولت جمهوری اسلامی ایران ،
 خواننده .

 حکم

حاضران :

از جانب خواهان : آقای آر. ان . پا مروی
 آقای اف . ایچ . لین ، و
 آقای تی . دویت ، وکلای خواهان

از جانب خواننده : آقای محمدکریم اشراق ، قائم مقام نمائنده روابط جمهوری
 اسلامی ایران

آقای قائمی ، مشاور حقوقی نمائنده روابط
 آقای شا ملو ، وکیل
 آقای تاجزاده
 آقای آزاده

اول - حربیان دعوی

خواهانها، آر. ان. پا مروی، ک. اس. پا مروی و آر. ام. پا مروی، که در پا مروی کورپوریشن، که یک شرکت لیبریا بیای است، صاحب سهام سرمایه‌ای هستند دادخواست خود علیه خوانده دولت جمهوری اسلامی ایران را در تاریخ ۱۶ نوامبر ۱۹۸۱ (۲۵ آبانماه ۱۳۶۰) به ثبت رساندند. خوانده، از طریق وزارت دفاع، لایحه دفاعی خود را همراه با دادخواست متقابلی در تاریخ ۱۴ آوریل ۱۹۸۲ (۲۵ فروردینماه ۱۳۶۱) به ثبت رساند. در لایحه دادخواست های متقابل یا دشده از نیروی دریائی جمهوری اسلامی ایران به عنوان خوانده و خواهان متقابل نام برده شده است. خواهانها در تاریخ ۳ ژوئن ۱۹۸۲ (۱۳ خردادماه ۱۳۶۱) جوابیه‌ای به دادخواست متقابل به ثبت رساندند.

در تاریخ ۳ اوت ۱۹۸۲ (۱۲ مردادماه ۱۳۶۱) دیوان داوری دستوری صادر روز ۱۵ نوامبر ۱۹۸۲ (۱۹ آبانماه ۱۳۶۱) راجه استماع عمومی کلیه موضوعات مطروح در پرونده و نیز پرونده شماره ۴۱، یعنی پا مروی کورپوریشن علیه دولت جمهوری اسلامی ایران که بآپرondه حاضر مرتبط است، تعیین کرد. علاوه بر این، در دستور از خوانده خواسته شد پاسخ به جوابیه مورخ ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۲ (۲۶ شهریورماه ۱۳۶۱) خواهان تسلیم نماید روز ۳۰ اکتبر ۱۹۸۲ (۲۸ آبانماه ۱۳۶۱) به عنوان تاریخ نهائی تسلیم مدارک و مستندات و سایر ادله کتسی توسط کلیه طرف ها و همچنین هرگونه اظهار رنظر کتبی نهائی که طرفین مایل به ارائه آن باشند، تعیین گردید.

در تاریخ ۱۳ اکتبر ۱۹۸۲ (۲۱ مهر ۱۳۶۱)، خوانده پاسخ خود به جوابیه خواهانها را به ثبت رساند. در تاریخ ۲۵ اکتبر ۱۹۸۲ (۲۳ آبانماه ۱۳۶۱) خوانده یک لایحه تکمیلی به ثبت رساند که ضمن آن برخی از مدافعت خود را مجدداً "مطرح و مدافعت جدیدی را اقامه کرد.

در تاریخ ۲۹ اکتبر ۱۹۸۲ (۲۶ آبانماه ۱۳۶۱) خواهانها، اظهاریه‌ای تکمیلی شامل تعدا دی سوگندنا مه، نظریک کا رشنا س در مورد دقوانی ایران، لایحه‌ای در خصوص موضوعات حقوقی مطروح در پرونده و مدارک خاص دیگر را به ثبت رساندند. در تاریخ

۲ نوامبر ۱۹۸۲ (۱۱ آبانماه ۱۳۶۱) خواهانها اظهاریه تکمیلی دیگری شامل یک سوگندنا مه تکمیلی و پاره‌ای مدارک دیگر به ثبت رساندند.

جلسه استماع در تاریخ ۱۵ نوامبر (۱۹ آبانماه) با شرکت کلیه طرف‌ها برگزار شد. طرفین موافقت کردند که مدارک تسلیمی در مورد این پرونده و همچنین پرونده شماره ۴۱، که همراه این پرونده است، در مردمه رهبری و همچنین پرونده شماره ۴۳۲، که همراه این پرونده است، در مردمه رهبری و همچنین پرونده شماره ۴۱، که همراه این پرونده است، در مردمه رهبری و همچنین پرونده شماره ۴۳۲، برگزاری استماع، خوانده لایحه‌ای را ثبت و ضمن آن از جمله درخواست کرد که این مطلب با پرونده شماره ۴۳۲، برآون اندروت، اینکورپوریتدوسا یرین علیه نیز روی دریائی ایران و سایرین، ادغام، یا اینکه هردو پرونده تو ما " موردا استماع قرار گیرند (رجوع شود به بخش چهارم ذیل).

در تاریخ ۱۹ نوامبر ۱۹۸۲ (۲۸ آبانماه ۱۳۶۱) پس از خاتمه استماع، دیوان داوری دستوری مبنی بر تسلیم اظهاریه‌های پس از استماع صادر وظی آن به خوانده اجازه داد که تاریخ ۱۰ ژانویه ۱۹۸۳ (۲۰ دیماه ۱۳۶۱) مدارک معارض خود را ثبت نماید و خواهانها اجازه یافند که مدارک معارض متقابل خود را تا تاریخ ۱۵ فوریه ۱۹۸۳ (۲۱ بهمن ماه ۱۳۶۱) به ثبت رسانند.

در تاریخ ۷ دسامبر ۱۹۸۲ (۱۶ آذرماه ۱۳۶۱) خوانده پاسخی به جوابیه به ثبت رساند و ضمن آن شهادت ادا شده طی استماع و نیز سوگندنا مه‌های برخی از شهود خواهانها را مطرح کرد. به تقاضای خوانده، دیوان داوری در تاریخ ۱۱ ژانویه ۱۹۸۳ (۲۱ بهمن ۱۳۶۱) دستوری صادر وظی آن مهلت تسلیم اظهاریه‌های مستند جدید را تا اول فوریه ۱۹۸۳ (۱۲ بهمن ماه ۱۳۶۱) برای خوانده و تا ۴ مارس ۱۹۸۳ (۱۳ اسفندماه ۱۳۶۱) برای خواهانها تمدید نمود.

در تاریخ ۱۲ ژانویه ۱۹۸۳ (۲۲ دیماه ۱۳۶۱) خوانده اظهاریه‌ای تکمیلی حاوی لایحه‌ای درخصوص برخی موضوعات مطروح در پرونده به ثبت رساند. در تاریخ ۷ فوریه ۱۹۸۳ (۱۸ بهمن ماه ۱۳۶۱)، خواهانها یک اظهاریه پس از استماع شامل مدارک و مستندات جدید به ثبت رسانده و ضمن آن اعلام داشتند که خواهانها نهاد قصد تسلیم اظهاریه دیگری را ندارند.

دوم - ادعاهای طرفین

حوالهای مدعی اندکه همگی از بدو تولد تسعه بالات متحده بوده و از تاریخ تشکیل پا مروی کورپوریشن در ماه ۱۹۷۶، تنها سه مداران آن بوده‌اند.

حوالهای طالب خسارت با بت مبالغی هستندکه، حسب الادعاء موجب شرایط قراردادی، واجب الادا بوده ولی پرداخت نگردیده است. طبق این قرارداد، پا مروی کورپوریشن موافقت کرده بودکه برای دوپروژه مربوط به احداث تسهیلات دریائی، خدماتی رادر زمینه برنا مهربانی، توسعه و اداره دراختیار نیروی دریائی ایران قراردهد.

حوالهای چنین ادعایی کنندکه قرارداد مورد بحث ("قرارداد") به نحو مقتضی در تاریخ یکم ژوئیه ۱۹۷۸ (۱۵ تیرماه ۱۳۵۷) توسط پا مروی کورپوریشن و نمایندگان قانونی و مجاز نیروی دریائی ایران امضا و مبدله شده است. قراردادشامل یک دوره دو ساله منتهی به ۳۰ ژوئن ۱۹۸۰ (۹ تیرماه ۱۳۵۹) بوده و مقرر می‌داشت که پا مروی کورپوریشن، با تامین "تازمانی مشکل از کارشناسان و اجدشاپت و ماهر" خدمات خود را ارائه نماید. طبق ماده ۲ قرارداد، پا مروی کورپوریشن متعهد بود مراقبت نمایدکه "هیچگونه نقص و عیوبی در کارپیمانکاران و مهندسین مشاور وجود نداشته" و در صورت وجود چنین نواقصی در کارپیمانکاران و مهندسین مشاور، آنرا به دولت ایران خاطرنشان سازد" با مروی کورپوریشن "هیچگونه مسئولیت با تعهدی از این بابت نداشت". قراربراین بودکه حق الزحمه با مروی طبق شرخهای اعلام شده برمنای گروههای مشخص از کارکنان اعزامی، پرداخت شود / بند (الف) ماده ۳ و جدول یک). علاوه بر این، نیروی دریائی ملزم بود حق الزحمه سالانه ای ("حق الزحمه ثابت") به مبلغ ۱۰،۶۳۱،۲۹۵ دلار "با بت خدمات شرکت منجمله خدمات ادارات پشتیبانی شرکت که قابل پرداخت به اقساط مساوی ماهانه باشد، بپردازد. (بنده ماده ۳ و جدول دو) قراربراین بودکه حق الزحمه مزبور از تاریخ اعلام شروع کار به مدت دو سال ثابت بماند و به عنوان "حق الزحمه تامین ۲۰ وحدات ۲۵ کارمند محسوب گردد". پا مروی کورپوریشن ملزم بودکه صورتحسابهای ماهانه ای تسلیم نماید و نیروی دریائی ملزم بود صورتحسابهای مزبور را از ۱۵ روز پس از دریافت آنها ممیزی نموده و بلافاصله این صورتحسابهای ممیزی شده را بپردازد (ماده ۲). قرارداد همچنین مقرر می‌داشت که ۵/۵ درصد کلیه پرداختها کسر و به مقامات مالیاتی دولت پرداخت شود (بنده ماده ۳) و چنانچه "مالیاتی اضافه بر مبالغ کسر شده از پیمانکار مطالبه شود"، نیروی دریائی

معادل آنرا به پا مروی باز پرداخت نماید. (ما ده ۱۰). سالاخره، مقررگردید که کلیه اختلافات حل نشده، فیما بین طرفین با رجوع به "دادری برطبق قوانین و مقررات ایران" حل و فصل گردد. (ما ده ۱۱).

نیروی دریائی طی تلکس مورخ ۱۵ مارس ۱۹۷۹ (۱۹ اسفندماه ۱۳۵۲) ، که در تاریخ ۱۲ مارس ۱۹۷۹ دریافت شده بـا مـسـرـوـی اـطـلـاع دـاـدـکـهـ قـرـاـرـدـاـدـرـاـفـسـخ مـیـ نـمـایـدـواـزاـیـن تـارـیـخـ بـهـ بـعـدـ ، بـاـ مـرـوـیـ ظـاهـرـاـ " اـرـائـهـ خـدـمـاتـ مـرـبـوـطـ بـهـ قـرـاـرـدـاـدـرـاـ مـتـوـقـفـ سـاخـتـ .

خواهانها اظهار می دارند که بـا مـرـوـیـ کـوـرـپـوـرـیـشـ تـعـهـدـاـتـ خـودـرـاـ بـهـ مـوجـبـ قـرـاـرـدـاـدـ تـاـ هـنـگـامـ کـسـبـ اـطـلـاعـ اـزـفـسـخـ آـنـ ، بـهـ طـورـکـاـمـ اـنـجـامـ دـاـدـهـ اـسـتـ . خـواـهـانـهاـ مـدـعـیـ اـنـدـ کـهـ پـرـدـاـخـتـهـ طـبـقـ قـرـاـرـدـاـدـتـاـ ۲ـخـرـاـ ۱ـکـتـبـرـ ۱۹۷۸ (۱۹ آـنـمـاـهـ ۱۳۵۲) در موعد مقرر و بنحو مقتضی انجام شده، ولی دولت ایران دستور داد چک صادره توسط نیروی دریائی باست کل مبلغ مربوط به ماه نوامبر ۱۹۷۸ پرداخت نشود. علاوه بر این، ایشان اظهار می دارند که صورتحسابهای تسلیمی باست ماههای دسامبر ۱۹۷۸، وزانویه و فوریه ۱۹۷۹، که توسط حسابر س منصوب نیروی دریائی میگردیدند، معتبر نبودند. پـرـدـاـخـتـ نـگـرـدـیدـهـ اـسـتـ . مـبـالـغـ مـرـبـوـطـ بـهـ خـدـمـاتـ پـرـسـنـلـیـ وـاقـسـاطـ مـاـهـاتـ حقـ الزـحـمـهـ ثـابـتـ مـوـرـدـتـوـافـقـ جـزوـمـبـالـغـ پـرـدـاـخـتـ نـشـدـهـ اـسـتـ .

خواهانها بـدـواـ " طـالـبـ خـسـارـتـیـ بـهـ مـبـلـغـ ۳،۵۵۲،۲۴۵ دـلـارـ آـمـرـیـکـاـ ، باـستـ کـارـانـجـامـ شـدـهـ وـنـیـزـ مـاـ بـقـیـ حقـ الزـحـمـهـ ثـابـتـ ، بـودـنـدـ . درـطـیـ رسـیدـگـیـهاـ ، خـواـهـانـهاـ اـصـلـ مـبـلـغـ اـدـعـاـ رـاـ اـصـلـاجـ کـرـدـنـدـ بـهـ نحوـیـ کـهـ هـزـینـهـهـاـیـ ثـابـتـ ، اـزـ جـمـلـهـ مـالـیـاـتـهـاـیـ مـتـعـلـقـهـ دـوـلـتـ اـیرـانـ رـاـ ، کـهـ بـاـ مـرـوـیـ کـوـرـپـوـرـیـشـ درـنـتـیـجـهـ فـسـخـ قـرـاـرـدـاـدـ ، خـودـرـاـ نـسـبـتـ بـهـ آـنـ مـدـبـونـ نـمـیـ دـانـستـ درـبـرـگـیرـدـ . عـلـیـهـذاـ ، خـواـهـانـهاـ اـکـنـونـ طـالـبـ مـبـلـغـ ۲،۹۴۲،۱۶۳/- دـلـارـ آـمـرـیـکـاـ بـاـضاـ فـدـبـهـرـهـ بـهـ نـرـخـ منـاسـبـ ، وـهـزـینـهـهـاـیـ دـادرـیـ خـودـ ، مـیـ باـشـندـ .

در پـاـسـخـ ، نـیـرـوـیـ دـرـیـائـیـ اـیرـانـ ، بـهـ صـلـاحـیـتـ دـیـوـانـ نـسـبـتـ بـهـ اـدـعـاـ اـیرـاـدـگـرـفـتـهـ اـسـتـ . اـولـاـ" ، نـیـرـوـیـ دـرـیـائـیـ مـعـتـقـدـاـسـتـ کـهـ خـواـهـانـهاـ نـمـیـ تـوـانـنـدـمـدـعـیـ حقـوقـ قـرـاـرـدـاـدـیـ پـاـ مـرـوـیـ کـوـرـپـوـرـیـشـ بـاـشـندـ ، زـیرـاـ شـرـکـتـ مـزـبـورـ طـبـقـ قـوـانـینـ لـیـلـیـاـ تـشـکـیـلـ یـاـ فـتـهـ وـتـبـعـهـ اـیـالـاتـ مـتـحـدـهـ نـیـسـتـ . ثـانـیـاـ" نـیـرـوـیـ دـرـیـائـیـ اـسـتـدـلـالـ مـیـ نـمـایـدـکـهـ صـلـاحـیـتـ رسـیدـگـیـ بـهـ اـدـعـاـ بـدـلـیـلـ شـرـطـ دـادرـیـ منـدـرـجـ درـقـرـاـرـدـاـدـ ، تـابـعـیـتـ اـیرـانـیـ خـواـنـدـهـ وـ وجـودـ مـسـرـجـعـ

دا دخواهی در ایران و نیز بدلیل اینکه قرارداد در ایران امضاء و مبالغه شده است، منحرا " با دادگاههای ایران است .

نیروی دریائی در دفاع در ماهیت دعوی اظهار می دارد که قرارداد اتفاقاً اعتبار است، زیرا بدون اجازه و اختیار لازم و برخلاف قوانین ایران امضاء و مبالغه شده پا مروی کورپوریشن قانونا " واجد شرایط عقد قرارداد نبوده است . نیروی دریائی ، مصافا " ادعای نمایندگه قرارداد اثبات را است ، به دلیل اینکه هرگز متن فارسی قرارداد امضاء نشده است .

نیروی دریائی منکر این نیست که ازانجام پرداختها به موجب قرارداد خودداری ورزیده است ، لیکن اظهار می دارد که این عدم پرداخت به چهار دلیل قابل توجیه است . اولاً ، طبق اظهار نیروی دریائی ، صورتحسابهای تسلیمی پا مروی کورپوریشن به نحو مقرر در قرارداد ، ممیزی و تصویب نشده است . ثانياً ، نیروی دریائی استدلال می کند که شرایط قرارداد در باز حق الزحمه ، هم در مقایسه با خدمات انجام شده توسط پا مروی کورپوریشن وهم در قیاس با حق الزحمه را بچهار دلیل توجیه می کند . دویاً ، طبق ادعای نیروی دریائی ، پا مروی کورپوریشن متعارف بوده است . ثالثاً ، طبق ادعای نیروی دریائی ، پا مروی کورپوریشن با عدم تامین پرسنل واجد شرایط ویا با عدم اجرای وظایف خود به نحو صحیح ، قرارداد را نقض کرده است . بالاخره ، نیروی دریائی مدعی است که با بت آن قسمت از حق الزحمه ثابت موردن توافق ، که پس از تاریخ فسخ واجب الاداشده تعهدی ندارد ، زیرا (الف) ازانجا که قرارداداً صلا " فاقد اثبات ربوته ، "فسخ" آن در مارس ۱۹۷۹ نمی توانسته مسئولیتی برای نیروی دریائی ایجاد نماید ، و (ب) در هر حال ، در قرارداد هیچگونه شرطی وجود ندارد که دلالت بر جبران زیانهای ناشی از فسخ آن نماید .

نیروی دریائی ، همچنین شش ادعای متقابل بر مبنای تعهدات ادعائی پا مروی کورپوریشن مطرح ساخته که طبق ادعای نیروی دریائی متوجه خواهانها به عنوان مسئولین پا مروی ویا به عنوان "شرکای" کورپوریشن ، می باشد . اولاً ، نیروی دریائی با استناد به ادعای عدم اعتبار قرارداد و ادعای غیر متعارف بودن شرایط حق الزحمه مندرج در آن طلب استرداد مبلغ ۵،۱۰۲،۸۱۴/۲۸ دلاری است که به پا مروی کورپوریشن پرداخت کرده است . ثانياً ، نیروی دریائی خواستار مبلغ نا مشخصی ، حسب اراده ، با بت خسارات متحمله درنتیجه نقض قرارداد توسط پا مروی کورپوریشن ،

به ویژه ، حسب اظهارها عدم گزارش نواقص ادعائی در کارهای پرسنلی کاران پرورشی ، می باشد . ثالثا " ، نیروی دریائی استرداد مبلغ ۲،۶۴۰،۵۱۲/۲۴ دلار پرداخت شده به پا مروی کورپوریشن ، به موجب قراردادهای منعقدقبل از قرارداد اول ۱۹۷۸ را ، خواستار است . رابعا " ، نیروی دریائی اظهارهای داردکه پا مروی کورپوریشن ۱۷/۵۱۱،۷۳۴ دلار بابت مبالغ واجب الادا به سازمان تامین اجتماعی بدھکار است و خامسا " ، اینکه پا مروی کورپوریشن بابت مالیات شرکت ها ، مبلغ ۹۱،۷۲۲/۵۴ دلار مديون است . سادسا " ، نیروی دریائی ، مبلغ ۱۲،۰۷۴ دلار ، بابت بدهی ادعائی به شرکت مخابرات ایران جهت خدمات تلفنی ، مطالبه می کند . نیروی دریائی ، همچنین بهره مبالغ فوق الذکر و هزینه های داوری خود را خواستار است .

در پاسخ به ادعاهای متقابل ، خواهانها به طور کلی اظهارهای داردکه های مداران یک شرکت تعهدی بابت دیون شرکت ندارند ، و بنا بر این ، به موجب قانون ، خواهانها در قبال هیچ یک از شش ادعای متقابل مذکور مسئول نیستند . خواهانها بر اعتبار قانونی قرار داده مبالغ پرداختی گذشته ، به شرح مورد تقاضا در اولین ادعای متقابل ، تعهدی در اعاده مبالغ پرداختی گذشته ، ایشان معتقدند که پا مروی کورپوریشن هستند . در رابطه با ادعای متقابل دوم ، ایشان معتقدند که پا مروی کورپوریشن تعهدات خود را به طور کامل ایفا نموده و اینکه ، در هر صورت ، قرارداد آنها را از مسئولیت در قبال نواقص کارهای پرسنلی کاران مبری می شمارد .

خواهانها مدعی اندکه دیوان داوری فاقد ملاحت نسبت به ما بقی ادعاهای متقابل است ، به دلیل اینکه ادعاهای متقابل مزبورا زهمان قرار دادی که موضوع ادعاست ، ناشی نشده است . ایشان ، مضافا " استدلال می نمایند که پا مروی کورپوریشن کلیه مبالغ واجب الادا بابت حق بیمه اجتماعی و مالیات شرکت ها را پرداخت کرده ، و در هر صورت ، پا مروی کورپوریشن ، به موجب شرط مربوط به الزام نیروی دریائی به تقبل پرداخت کلیه مالیات های زائد بر ۵/۵ درصد مبالغ کسر شده ، از مسئولیت مبری است . به همین نحو ، ایشان منکر این هستند که پا مروی کورپوریشن به شرکت مخابرات ایران بدھکار است ، به دلیل اینکه قرارداد مشخصا " نیروی دریائی را ملزم کرده است که کلیه خدمات تلفنی و تلکس را تامین نماید .

سوم - صلاحیت دیوان داوری

مبنای اصلی صلاحیت دیوان داوری در بند ۱ ماده دو بیانیه مورخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۱۳۵۹ هـ) ("بیانیه حل و فصل دعا وی") دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الحزب مریبوط سه محل و فصل دعا وی دولت ایالات متحده آمریکا و دولت جمهوری اسلامی ایران دیده میشود، که علاوه بر منظورهای دیگر، دیوان داوری را تاسیس کرده است.

به منظور اتخاذ ذتضمیم درباره ادعاهای اتباع ایالات متحده
علیه ایران و هرگونه ادعای متقابل ناشی از
قراردا دفیما بین ، معا ملهمیا پیش آمدی که مبنای ادعاهای
آن تبعه باشد، در صورتی که اینگونه ادعاهای ادعاهای
متقابل ناشی از قرارداد به استثنای دعا وی
ناشی از قراردادها ی تعهد آور فیما بین طرفین که رسیدگی
بدانها مشخصا " تحت صلاحیت انحصاری دادگاههای صالحه
ایران است

اینکه آیا ادعائی ، ادعای " یکی از اتباع " ایالات متحده به شمار می آید یا خیر ، طبق تعریف مندرج در ماده هفت بیانیه حل و فصل دعا وی به شرح زیر مشخص گردیده است :

۱ - " تبعه " ایران یا ایالات متحده ، بر حسب مورد بدین معنی است : (الف)
شخص حقیقی که شهروند ایران و یا ایالات متحده باشد ، و (ب) شرکت یا شخص
حقوقی دیگری که طبق قوانین ایران و یا ایالات متحده و یا هریک از ایالات
ونواحی آن ، ناحیه کلمبیا و یا مشترک المصالح پرستوریکو تشكیل یا فته باشد ،
مشروط براینکه ، اشخاص حقیقی تبعه آن کشور محتمما " به صورت مستقیم یا
غیرمستقیم در چنین شرکت یا شخصیت حقوقی سهمی معادل ۵۰ درصد و یا بیشتر
از سرمایه آن را داشته باشند .

۲ - " ادعاهای اتباع " ایران و یا ایالات متحده ، بر حسب مورد ، عبارت است از
ادعاهایی که از تاریخ به وجود آمدن ادعاهای تاریخ رسمیت یا فتن این بیانیه
مستمرا " در اختیار اتباع آن کشور بوده اند ، شامل ادعاهایی که به
طور مستقیم ، از طریق مالکیت سرمایه و یا سایر علائق مالی ، در مورد اشخاص

حقوقی ، در مالکیت این اشخاص بوده است، متروط براینکه میران مالکیت
چنین انتفاعی ، مختصا " در زمان اقامه دعا برای کنترل شرکت با شخص حقوقی
دیگر در حلالزام بوده و علاوه بر آن متروط براینکه شرکت و یا شخص حقوقی در چارچوب
این بیان نیه حق اقامه دعوی نداشتند .

خواهان ها با تسلیم گذرنا مهوشنا سنا مهتابت کرده اند که همه آنان از بدو تولد تبعه
ایالات متحده بوده اند . بعلاوه ، خواهانها رونوشت اوراق سهام و مدارک دیگری را
ارائه داده اند که نشان می دهد که کلیه ۸۳۰ سهم جاری پا مروی کورپوریشن به آنان
تعلق دارد . بالاخره ، هم این مدارک وهم گواهی صادره توسط دولت لیبریا حاکمی
است که پا مروی کورپوریشن طبق قوانین کشور مزبور تا سیس شده و در نتیجه نمی توانسته
است راسا " دعا وی خود را در دیوان مطرح سازد .

خواسته ، صعن اینکه هیچ مدرکی در رد دلایل خواهانها ارائه نمی دهد ، به این استدلال
می پردازد که خود دعا وی فاقد تابعیت آمریکائی است . این استدلال با یاری دارد
شناخته شود . مثلا " حقوق مالکیت خواهانها به عنوان مالکین منحصر به فرد پا مروی
کورپوریشن به میزانی هست که آشکارا جهت کنترل پا مروی کورپوریشن کافی باشد . بنابراین ،
خواهانها به طور غیر مستقیم نیز صاحب ادعاهای این شرکت بوده و به موجب بند ۲ ماده
هفت بیان نیه حل و فصل جهت طرح دعا وی خود در دیوان داوری طرفهای واقعی به شمار
می آیند .

آنچه که از موضوع مربوط به صلاحیت که توسط خوانده عنوان شده باقی می ماند ، این است
که آیا در قرارداد دقیدی وجود دارد که رسیدگی به اختلافات را در حیطه صلاحیت دادگاه های
ایران قرار داده و از دیوان داوری سلب صلاحیت نماید یا خیر .

ماده ۱۱ قرارداد مقرر می دارد که اختلافات " طبق قوانین و مقررات ایران از طریق
داوری " حل و فصل گردد .

دیوان داوری نظر داده است که چنان قبیلی بدانگونه نیست که " رسیدگی به هرگونه
اختلاف (ناشی از قرارداد) را مشخصا " در صلاحیت انحصاری دادگاه های صالحه
ایران " شناخته ولذا صلاحیتی را که دیوان داوری به موجب بند ۱ ماده دو بیانیه
حل و فصل دعا وی جهت رسیدگی به دعوا دارد از آن سلب کند . رجوع شود به : گیزارند

حس اسکوربورت و سوارودکران ، سرویدهاره ۴ ، فارا عدادی — ره
۱ - ۶ - اف . تی .

ساه مرات بسی کفته ، دیوان داوری سرا بین نظرات که جهت رسیدگی سمدخا وی
خواهانها صلاحیت دارد .

سای ایکه معلوم شود ادعاهای متقابل در حیطه ملاحت دیوان داوری قرار می گیرد ما
حضر ، سند ۱ ماده دویبا نیمه حل و فصل دعا وی دو خاصه مددت می دهد ، اول استکه ادعای
متقابل ساید علیه خواهان ، و نه علیه یک شخص ثالث ، اقا مشود ، دوما ینکه منشاء آن
همان قرداد ، معا ملهیا رویدادی باشد که موجب بروز ادعای شده است . خواهانها چنین
استدلال کرده اند که آنها قانونا " ، طبق اصل کلی حقوقی مورد قبول همکان که سهامداران
شرکتی را در مقابل تعهدات آن شرکت مسئول نمی شناسد ، مسئولیتی در مقابل ادعاهای
متقابل ندارند . خوانده استدلال می کنند که در بین نیمه حل و فصل دعا وی عبارتی که موضع
خواهان هارا تائید کنند وجود ندارد . با توجه به نظراتی که در ارتباط با ادعاهای
متقابل در این حکم آمده دیوان داوری لازم نمی داند که راجع به این موضوع تصمیم گیرد .
شمول یا عدم شمول این اصل تاثیری در امر صلاحیت دیوان داوری ندارد .
تحتین ادعای متقابل که مبتنی است بر نامعتبر بودن ادعای قرارداد دو شرایط
غیر متعارف ادعای قرارداد در مورد حق الزحمه ، و ادعای دوم که بر نقض ادعای
قرارداد استوار است ، هردو علیه خواهانها اقا مشود و آشکارا از همان موضوعی که ادعاهای
از آن ناشی شده است ، نشأت می گیرند . بنابراین ، دیوان داوری جهت رسیدگی
به این ادعاهای متقابل صلاحیت دارد .

اما ، ادعای متقابل سوم وضع متفاوتی دارد . این ادعای متقابل که طالب و صاحب
برداخت های مربوط سقرا ردا دهایی است که قولا " سین طرفین منعقد گردیده ، در حیطه
صلاحیت دیوان داوری قرار نمی گیرد ، زیرا ادعای متقابل مذبور ، ناشی از همان
موضوع منشاء ادعای است .

ادعاهای متقابل چهارم و پنجم از عدم پرداخت تعهدات ادعای مربوط به حق بیمه
حتماً عی و مالبات ترکت ها باست مدت سین مارس ۱۹۷۶ تا مارس ۱۹۷۹ (فروردين ماه
۱۳۵۲ تا فروردين ماه ۱۳۵۸) ناشی می شود . تا جایی که ادعاهای متقابل

حاضر مبتنی بر رویدادهای مقدم بر ژوئیه ۱۹۷۸ (تیرما ۱۳۵۷) بـاشـد، از همان موضوع لازمی که ادعـا بـرـآـن استوار است، نـاشـی نـشـدـهـ وـ، لـذـاـ اـزـحـیـطـهـ صـلاحـیـتـ دـیـوـانـ دـاـورـیـ خـارـجـنـدـ استـلـالـ شـدـهـ اـسـتـ کـهـ اـینـ اـدـعـاـهـاـیـ مـتـقـابـلـ حتـیـ اـگـرـبـهـ اـنـجـامـ قـرـارـدـادـ ۱۹۷۸ـهـ مـرـبـوـطـ سـاـشـنـدـ، اـزـحـیـطـهـ صـلاحـیـتـ دـیـوـانـ دـاـورـیـ خـارـجـنـدـ، زـبـراـ تـعـهـدـمـرـبـوـطـ سـهـبـرـدـاـخـتـ حقـ بـیـمـهـاـیـ اـحـتـمـاـعـیـ وـمـالـیـاتـ شـرـکـتـ هـاـ مـولـدـقـاـنـونـ اـسـتـنـهـ نـاشـیـ اـزـشـرـایـطـ مـنـدـرـاجـ درـقـرـارـدـادـ، وـبـدـینـقـرـارـمـیـ تـوـانـ گـفـتـ کـهـ اـدـعـاـهـاـیـ مـتـقـابـلـ اـزـهـمـاـنـ مـوـضـوـعـیـ کـهـ مـوـحـبـ بـرـوـزـاـدـعـاـشـدـهـاـ استـ، سـرـچـشـمـهـ نـگـرـفـتـهـاـستـهـ مـمـكـنـ استـکـهـ بـحـثـهـاـیـ هـمـ درـتـاـ ئـيـدـنـقـطـهـ نـظـرـمـخـالـفـ مـطـرـحـ گـرـددـ، لـيـكـنـ، درـپـرـونـدـهـ حـاـضـرـ بـنـاـ بـهـ دـلـائـلـیـ کـهـ درـپـاـ رـاـگـرـافـ (۳) قـسـمـتـ پـنـجمـ ذـیـلـ آـمـدـهـاـ استـ، لـزـومـیـ نـدـارـدـکـهـ دـیـوـانـ بـهـ اـینـ جـنـبـهـ اـزـمـوـضـوـعـ صـلاحـیـتـ بـپـرـداـزـدـ.

باـ لـاخـرـهـ، اـدـعـاـیـ مـتـقـابـلـ شـمـ مـبـتـنـیـ بـرـوـظـیـفـهـاـیـ اـسـتـکـهـ ظـاـهـرـاـ "ـ پـاـ مـرـوـیـ طـبـقـ مـاـدـهـ ۴ـ قـرـارـدـاـ دـنـسـبـتـ بـهـ بـاـزـپـرـدـاـخـتـ پـارـهـ اـیـ هـزـینـهـهـاـ مـرـبـوـطـ بـهـ تـلـفـنـ بـهـ نـیـروـیـ دـرـیـاـئـیـ دـارـدـ. لـذـاـ، اـینـ اـدـعـاـیـ مـتـقـابـلـ اـزـهـمـاـنـ قـرـارـدـاـدـیـ نـاشـیـ مـیـ شـودـ کـهـ مـنـشـاءـ بـرـوـزـ اـدـعـاـبـودـهـ، وـدـرـنـتـیـجـهـ، دـیـوـانـ دـاـورـیـ جـهـتـ رـسـیـدـگـیـ بـدـاـنـ صـلاحـیـتـ دـارـدـ.

چهارم - درخواست خوانده در مورد امور شکلی

تـیـرـوـیـ دـرـیـاـئـیـ اـظـهـاـرـمـیـ دـارـدـکـهـ بـاـ یـسـتـیـ اـینـ اـدـعـاـبـاـ اـدـعـاـیـ دـیـگـرـیـ، پـرـونـدـهـ شـمـارـهـ ۴۳۲ـ، کـهـ درـدـیـوـانـ دـاـورـیـ مـطـرـحـ وـمـرـبـوـطـ بـهـ اـدـعـاـئـیـ اـسـتـکـهـ یـکـیـ اـزـپـیـمـاـنـکـارـانـ پـرـوـزـهـ اـقاـمـهـکـرـدـهـاـ استـ، اـدـغـامـ گـرـددـ، زـیـرـاـ اـدـعـاـیـ مـتـقـابـلـیـ کـهـ رـاجـعـ بـهـ آـنـ پـرـونـدـهـ اـرـائـهـ خـواـهـدـشـنـشـانـ مـیـ دـهـدـکـهـ پـاـ مـرـوـیـ کـوـرـپـورـیـشـ اـزـ اـنـجـامـ تعـهـدـاتـ خـودـقـصـورـکـرـدـهـ استـ. پـیـشـنـهـاـ دـمـزـبـورـدـاـئـرـبـرـاـدـغـامـ پـرـونـدـهـهـاـ تـاـ تـشـکـیـلـ جـلـسـهـ اـسـتـمـاعـ بـهـ عـمـلـ نـیـامـدـ. خـواـنـدـهـ پـرـونـدـهـ دـیـگـرـ، نـهـدـرـآـنـ هـنـگـامـ اـقـدـامـ بـهـ ثـبـتـ لـایـحـهـ دـفـاـ عـیـهـ وـاـدـعـاـیـ مـتـقـابـلـ کـرـدـهـ وـنـهـحتـیـ اـمـرـوـزـ چـنـینـ کـارـیـ رـاـنـجـامـ دـادـهـاـستـ. بـرـایـ تـسـلـیـمـ مـدارـکـ مـرـبـوـطـ بـهـ اـدـعـاـهـاـیـ رـاجـعـ بـهـنـحـوـهـ اـنـجـامـ کـارـتـوـسـطـ پـاـ مـرـوـیـ چـهـدـرـ جـلـسـهـ اـسـتـمـاعـ وـچـهـ دـرـ

از آن مانعی در سر راه نیروی دریائی وجود نداشت . دیوان داوری این فرصت را به نیروی دریائی داده مدارک را بعد از جلسه استماع به ثبت رساند . بدین قرار ، به نیروی دریائی جهت ارائه مدارک و برآ هین فرصت کافی داده شده بود . بنابراین دلایل پیش گفته ، دیوان داوری دلایل کافی برای احابت درخواست ادفعام پرونده ها در دست ندارد .

پنجم - ما هیت ادعا و ادعاهای متقابله

۱ - ادعاهای متقابله

در اینکه هم با بت پرسنل اعزامی وهم با بت اقساط ثابت حق الزحمه ماهانه ، طی چهار ماه اول قرارداد ، پرداخته اما صورت گرفته است ، اختلافی نیست . علاوه بر این ، خواهان ها صورتحسابها و مدارک دیگری تسلیم کرده اند که حاکی است مبلغ خالص $848,232/39$ دلار آمریکا که می باشد با بت خدمات پرسنلی عرضه شده در ماههای ژانویه و فوریه ۱۹۷۹ پرداخت گردد ، تا دیه نشده و هیچ پرداخت دیگری نیز بابت حق الزحمه ثابت صورت نگرفته است . نیروی دریائی به این مدارک اعتراض نکرده و اظهارات خواهان ها در این زمینه را منکر نیز نشده است ، از این رو ، باید توجه به دلایل نیروی دریائی برای عدم پرداخت معطوف شود - یعنی بی اعتبار بودن قرارداد ، عدم رعایت شرایط حسابی مندرج در قرارداد ، شرایط غیر متعارف مربوط به حق الزحمه ، و قصور در انجام کار .

نیروی دریائی مدعی است که قرارداد بنا به دلایلی فاقد اعتبار است ، بدین قرار که مقام نیروی دریائی که قرارداد را امضا کرده ، مجاز به انجام چنین کاری نبوده است ، پامروی ، پیمانکار و اجدش را یطی که مورد تائید شورای وزیران طبق قانون موضوعه باشد ، نبوده و هیچ گونه متن فارسی قرارداد امضاء و مبالغه نشده است .

در موردا دعای خوانده‌داشتربری اعتبار بودن قرارداد، لازم است که نکات زیر مورد توجه قرارگیرد:

حتی در صورتی که اظهارات نیروی دریائی داشتربری اعتبار بودن قراردا دصحت همدا شته باشد، نحوه رفتار نیروی دریائی طوری بوده است که با پرداخت‌های قبل ملاحظه‌ای که طبق قرارداد ناجام داده و سه‌ملاتی که در اختبار نیروی دریائی گذاشته و باخدماتی که از نیروی دریائی بذرفة، در واقع قرارداد را معتبر محسوب کرده است.

هم یک اصل کلی حقوقی وهم اصل مندرج در مواد ۲۴۷ و ۲۴۸ قانون مدنی ایران مشعر براین است که اگر قراردادی به وکالت از جانب یک طرف توسط شخص دیگری منعقد گردد و طرف مجبور، با فعل خود، بعداً "بدان رضا بیت دهد"، دیگر نمی‌تواند منکرا اعتبار گرفت آن قرارداد شود. بدین قرار، فعل نیروی دریائی دلالت بر تنفيذ قرارداد دارد، صرف نظر ازا ینکه کسی که از طرف نیروی دریائی قرارداد را امضا کرده فاقد اختیار لازم بوده یا نبوده است. علاوه براین، خواهانها شهادت‌نامه کتبی بلامعارض دونفر از افسران عالی‌رتبه نیروی دریائی را که در جریان قرارداد دخیل بوده‌اند، ارائه کرده‌اند که حکایت از آن دارد که قرارداد اداختیارتاً تفویض شده بود کل وقت نیروی دریائی تصویب و به امضاء کننده قرارداد اداختیارتاً تفویض شده بود که قرارداد را امضاء و مبالغه‌نماید. در مورد واحد شرایط بودن پا مروی طبق قانونی که مجوز یکی از دو پروژه نیروی دریائی را که در قرارداد اداخته شهاب داشده است، به دست می‌دهد، شرط تصویب توسط شورای وزیران که در قانون قید شده است فقط با پیمانکارانی که در ساختمان پروژه دخلت دارند ارتباط پیدا می‌کنند و به پیمانکارانی که به نیروی دریائی در اتحاد نشوند وی کمک می‌کنند، مربوط نمی‌شود. بالاخره، دیوان داوری در موردا دعای خوانده‌داشتربراینکه امضا متن فارسی قرارداد، شرط اعتبار آن بوده، مطلبی در قرارداد مشاهده نکرد. بنابراین، ولایت‌که دیوان داوری به‌این نتیجه هم‌رسیده بود که نیروی دریائی قرارداد را تائید کرده است، به صرف اینکه فقط متن انگلیسی قرارداد به امضاء طرفین رسیده است، نمی‌شد آن را فاقد اعتبار شمرد.

نیروی دریائی مدعی است که امتناع از پرداخت ازناحیه وی از آن روموجه است که صورتحسابهای با مروی طبق روشن مقرر در قرارداد ممیزی نشده است. قرارداد

مفترمی دارد که سروی دریاچی "موظف ابکه سورتمحاب راظف ده ۱۵۱" رود
س از وصول آن مسری کرده و در صورت تائید خدمات انجام نده، مبلغ سورتمحاب
را سی درنگ سیمانکار پرداخت کند". علاوه، قرارداد بعاهات سراسی دارد که
"سواسق مربوط به ساعت کار و سایر این تأثیراتی مورتهای مشتمل برگرهی از
اقلام باید توسط ویسی - مرسی و شرکا که حساب بران بروز هستند، محسوبی نشود".
خواهانها رونوشت گزارش های حسابی ویسی - مرسی و شرکا را
که بکه موسسه حسابداری و حسابرسی بین المللی است، در مورد
ما ههای سوا مبرودسا مبر ۱۹۷۸ ارائه کرده اند که در هر دو مورد حاکی از اینست که
حساب رسان توصیه کرده اند و جهه مورتمحابها بپرداخت گردد. علاوه، خواهانها
رونوشت نامه نسبت به نیروی دریاچی (ایران) در این متحده را که حاکی از تائید
گزارش حسابرسی بیوست که مربوط به مورتمحابها ماههای زانوبه و فوریه ۱۹۷۹
توسط موسسه حسابداری ارائه اند از اینست، وابسته ویسی - مرسی و شرکا است تسلیم نموده اند.
علاوه بر این، خواهانها رونوشتی هم از این گزارش حسابرسی عرضه کرده اند. نیروی
دریاچی نه شخصاً "به گزارش های حسابرسی مجبوراً عتراف کرده و نه مدرکی ارائه
نموده است که دلالت بر عدم رعایت شرایط حسابرسی مندرج در قرارداد داشته باشد.
در واقع، نیروی دریاچی نتوانسته است موردی را شخصی نماید که در آن شرایط
مذکور رعایت ننده باشد. دیوان داوری ناگزیر به اخذ این نتیجه است که در این
موردن قرارداد کا ملا" مراجعت شده است.

علاوه، نیروی دریاچی متذکر شده است که شرایط مربوط به حق الزحمه که در قرارداد
مندرج است غیر منع ارف بوده و بنا بر این ناید سه طور کامل به موردا جراحت آشته شود.
به فرض که دیوان داوری بتواند در مورد منصفانه بودن حق الزحمه قوارداد تحقیق و تفحص کند،
تنها مدرکی که نیروی دریاچی در این مورد را ثابت کرده، خلاصه قراردادی است
سایه متساوی سه نام استانویک اینترنشنال اینکورپوریتد، که در آن شرخ
حق الزحمه از آنچه که در قرارداد پا مرسی مندرج است که مثبت بوده است. هیچگونه
مدرکی درباره وظائف با شخصات استانویک ارائه نشده و از همه مهمتر اینکه در
ارائه روش تحری معمول درباره نرخهای حق الزحمه مربوط به نوع کاری که با مرسی
اهم می داد کوئنی سه عمل ساده است. واضح است که نیروی دریاچی، در موقع
استفاده قراردادها مرسی، در موقعی قرارداد شده که از شرخ حق الزحمه های
سرداحتی ساده خدمات متساوی، علی الحصوص، به عنوان کاربر ما در قرارداد

استانوبک ، سارحهائی که طبق فرادراد مرسور برداخت می گردید ، آشناست .
با توجهه اعتبار قرارداد سایه مروی ، اکنون شکایت سروی دریائی دائر
برای نکهشرا سط قرارداد دیدزیان وی بوده ، نمی توانند مجموع ساند . علاوه ،
خواهانها مدارکی ارائه داده اند که حاکی است نرخهای مرجح در
قرارداد مخصوصا " توسط یکی از معاونین نخست وزیر که مسئول بررسی بروزهای
ساخته ای بوده ، به عنوان نرخهای مناسب ، تصویب شده بود . با توجهه مراتب
مذکور ، دیوان داوری معتقد است که این دفعه باید مردود شد .

با لآخره ، نیروی دریائی در تا ثیدا دعا ای خود دائز برای نکهپا مروی با قصور در عرضه
پرسنل و اجدرایی و یا قصور دریا دآوری نواقص کار را بر پیمانکاران ، به وظائف خود
طبق قرارداد عمل نکرده است ، مدارکی ارائه نداده است . چون
نیروی دریائی نتوانسته است حتی علی الظاهر یک مورد از نقض قرارداد را ثابت
کند ، بنا بر این از عهده ثبوت این دفاع بر نیما مده و بدین قرار دفاع با یدردشود .

مدارک بلامعارض نشان می دهد که نیروی دریائی سدون هیچ دلیل نسبت به پرداخت
تعهدات خود را پرسنل عرضه شده برای صورتحساب بهای کمه موجب قرارداد
میزی شده اند ، به شرح مبالغ زیر ، بعد از کسر ۵/۵٪ بابت مالیات ، قصور
گرده است : ۳۵۶،۵۸۹/۲۸ دلار آمریکا طبق صورتحساب مورخ اول دسامبر ۱۹۷۸ (۱۰ آذرما ۱۳۵۲) ، ۲۴۳،۱۲۰/۱۵ دلار آمریکا طبق صورتحساب مورخ اول ژانویه ۱۹۷۹ (۱۱ دی ما ۱۳۵۲) ، ۲۵۴،۳۹۴/- دلار طبق صورتحساب مورخ اول فوریه ۱۹۷۹ (۱۲ بهمن ما ۱۳۵۲) ، ۴۴،۶۲۹/۹۶ دلار طبق صورتحساب مورخ ۵ مارس ۱۹۷۹ (۱۴ اسفندما ۱۳۵۲) .

علاوه بر این ، مدارک نشان می دهد که نیروی دریائی مانده حق الزحمه ثابت
متعدد در قرارداد را ، پرداخته است . خواهانها ، در
احتساب مبلغ این مانده ، متذکرمی شوندکه ۸۱۵،۸۹۲/- دلار آمریکا ظرف شش ماه
اول قرارداد " بابت هزینه های ثابت و حق الزحمه شرکت " صورتحساب داده اند .
این مبلغ شامل ۱۲۸،۵۰۳/۸۵ دلار آمریکا بابت حق الزحمه ثابت ماه نوامبر است
که صورتحساب مرسوط در تاریخ اول دسامبر ۱۹۷۸ (۱۰ آذرما ۱۳۵۲) صادر شده

ومبلغ ۱۲۸،۵۰۳/۸۵ دلار با بابت حق الزحمه ثابت ماه دسا مبرموضع صورتحساب مورخ اول ژانویه ۱۹۷۹ (۱۱ دی ۱۳۵۲) که هیچیک از مبالغ مذبور پرداخت نشده است . دیوان داوری معتقد است که نیروی دریائی دلائل معتبری حاکی از این که نباشد حق الزحمه ما های نوا مبرودسا مبر ۱۹۷۸ پرداخت شود ، اراحته نکرده است . بدینقرار ، **بایان داد** " مبنع ۲۵۸،۰۰۲/۲۰ ۲۵۸،۰۰۲/۲۰ دلار با بابت حق الزحمه مورد بحث به خواهان ها پرداخت گردد .

ادعای اولیه خواهانها با بابت مانده ناخالص صورتحساب بود که اشتباها ۲،۴۴۲،۵۰۴/- دلار آمریکا محسوب شده بود . ضمن جریان رسیدگی ، خواهانها اصل مبلغ ادعا را به میزان ۵/۲۶٪ مانده ناخالصی که با بابت آن صورتحساب صادر نشده تقلیل دادند ، تا آن قسمت از حق الزحمه ثابت را که قابل انتساب به هزینه های ثابتی بوده که خواهانها در اثر فسخ قرارداد تقبل نکرده بودند ، منعکس نماید ، این مقدار شامل ۹٪ با بابت کسر مالیات نیز می باشد . بعد از کسر این مبالغ ، میزان ادعای با بابت باقیمانده حق الزحمه ثابت به ۱،۸۲۱،۹۲۲ دلار بالغ می شود .

خواهانه با ذکر اینکه اخطار ۱۲ مارس ۱۹۷۹ (۱۲۱ اسفندماه ۱۳۵۲) را نمی توان به عنوان اخطار فسخ به شمار آورده ایم که هرگز قرارداد معتبری منعقد نشده بوده است ، ادعای می کنده که وی مسئول بقیه حق الزحمه ثابتی که جهت آن صورتحساب ارسال نشده است ، نمی باشد . لیکن ، دیوان داوری قرارداد را معتبر والزم آورشناخته است و بنا بر این نمی تواند این استدلال را بپذیرد . علاوه بر این ، با اینکه " همانطور که ذیلا " بیان شده است - پا مروی کورپوریشن ، در اشرار ویدا دهای ایران ، از دسا مبر ۱۹۷۸ تعداد کارکنان خود را در ایران تقلیل داد ، هیچگونه مدرکی وجود ندارد که دلالت بر این داشته باشد که پا مروی کورپوریشن یا نیروی دریائی قبل از اخطار مورخ ۱۲ مارس ۱۹۷۹ (۱۲۱ اسفندماه ۱۳۵۲) قرارداد رافسخ شده تلقی کرده باشد ، بر عکس ، در مواد متعددی ضمن مکاتبه بین طرفین در دسا مبر ۱۹۷۸ و ماههای بعد ، امکان از سرگرفته شده اجرای تمام و کمال قرارداد ، عنوان شده است . بنا بر این نتیجه ای که دیوان داوری می گیرد این است که با اینکه عملیات پا مروی کورپوریشن ممکن بوده برای مدت نامحدودی به حالت تعليق درآمده باشد ، لکن قرارداد تاریخ ۱۲ مارس ۱۹۷۹ (۱۲۱ اسفندماه ۱۳۵۲) یعنی تاریخی که پا مروی کورپوریشن اخطار فسخ قرارداد را دریافت کرد ، لازم الاجرا

و معتبر بوده است .

چون نیروی دریائی بدون اینکه پا مروی کورپوریشن قصوری کرده باشد، قرارداد را فسخ کرده است، دیوان داوری براین عقیده است که خواهانها استحقاق جبران خسارات ناشی از فسخ قرارداد را دارند. خواهانها مبلغ ۱۰،۸۲۱،۹۲۲ دلار، منهای هزینه های ثابت و مالیات با بت بقیه حق الزحمه ثابتی که قراردا دمقردادش و معوق مانده مطالبه می کنند، استدلال آنها این است که بقیه حق الزحمه برابر سودی است که آنها در اثر فسخ قرارداد از دست داده اند.

دیوان داوری در تعیین ضابطه جبران خسارت خواهانها در این مورد، متذکرمی شود که به نظرمی آید که به علت رویدادهای زمان انقلاب و سایر عوامل، سودخالص پامروی کورپوریشن از آنچه که خواهانها ادعا می کنند، کمتر می شد. نامه ای از یکی از روسای پا مروی کورپوریشن در دست است که حکایت از این می کند که هزینه های واقعی شرکت از آنچه که در قرارداد منظور گردیده است، بیشتر است. به این دلیل، نمی توان گفت که خسارات ناشی از عدم النفع باید عیناً " به میزان مورد مطالبه، پرداخت گردد .

علاوه بر این، طبق قرارداد پیما نکار ملزم بود که در آراء حق الزحمه ثابت، حداقل ۲۵ نفر کارمندتا مین کند. پا مروی کورپوریشن در تاریخ ۱۳ دسامبر ۱۹۷۸ (۱۳۵۷) خود به نیروی دریائی پیشنهاد کرد که تعداد کارمندان از ۲۱ نفر به ۱۵ نفر تقلیل داده شود، و متذکر گردید که چنین کا هشی " تاثیری در عملیات پشتیبانی نخواهد داشت . در همان نامه اضافه شده است که " ما پیشنهاد می کنیم که تعداد کارمندان مجدداً " در حوالی نوروز افزایش باید، زیرا عقیده براین است که در آن موقع وضع پروژه و عوامل مربوط به آن مشخص تر خواهد شد ". نیروی دریائی طی نامه مورخ ۱۹ دسامبر ۱۹۷۸ (۱۳۵۷) پیشنهاد تقلیل کارمندرا پذیرفته، و در آن نامه مخاطرنشان ساخت که " ترتیبات مربوط به افزایش کارمند توسط شما مستلزم کس احازه قبلی ... از نیروی دریائی است ". پا مروی کورپوریشن در تاریخ ۲۸ آذر ۱۹۷۹ (۱۳۵۷) پیشنهاد دیگری مبنی بر اینکه کارمندان مقیم تهران به سه نفر مهندس تقلیل داده شود، ارائه کرد. از مدارک تسلیمی معلوم نیست که آیا این پیشنهاد عملاً مورد قبول واقع شده است یا خیر. پا مروی در تاریخ ۱۶ فوریه ۱۹۷۹ (۱۳۵۷) بهمن

ما ۱۳۵۲ ه) به نیروی دریائی خاطرنشان ساخت که تعداد کارمندان در ماه ژانویه ۱۹۷۹ "از حداقل ۲۰ نفر مقرر درقراردا دکمتر بوده است" ، و با توجه به این موضوع پا مروی کورپوریشن پیشنهاد کرد که از اول ژانویه ۱۹۷۹ (۱۱ دی ۱۳۵۲ ه) بابت کلیه تکنسینهای - نرخ ۲۰،۰۰۰ دلار از قراره رفرد - ماه کارمندی میران صورتحساب ارسال دارد . در این نامه به پیشنهادی اشاره شده که گویا درنا مه مورخ "۲۸ دسامبر ۱۹۷۷" (۷ دی ۱۳۵۶ ه) به عمل آمده است . اما ، دیوان داوری به این نامه دسترسی ندارد . نیروی دریائی در پاسخی که در تاریخ اول مارس ۱۹۷۹ (۱۵ اسفند ۱۳۵۷ ه) به نام مزبور نوشت ، راجع به پیشنهاد پا مروی کورپوریشن دائر بر تقلیل تعداد کارمندان ، اظهرا رنظری نکرد . با اینحال ، پا مروی کورپوریشن در صورتحسابها ماههای ژانویه و فوریه ۱۹۷۹ با بت هر فرد - ۲۰،۰۰۰ دلار صورتحساب داده و با بت حق الزحمه ثابت رقمی منظور نکرده است . با توجه به این مطلب ، به نظر می رسد که قرار شده دست کم تا مدتی حق الزحمه ثابت منظور نشده ، لکن در عوض هزینه نفر ماه افزایش داده شود تا سود حاصل از حق الزحمه واجب الادا به پا مروی کورپوریشن را در برگیرد . می توان این نتیجه را هم گرفت که قصاید این بوده است که وضعیت مزبور تا زیرگرفته شدن عملیات به طور کامل ، که مستلزم کسب اجازه از نیروی دریائی بود ، ادامه یابد . چون به این ترتیب تعهدات قراردادی پا مروی کورپوریشن ، لائق تا مدتی تقلیل می یافتد ، دلیل دیگری است برای اینکه مانده حق الزحمه را نباشد به عنوان ضابطه مناسبی جهت تعیین خسارات وارد بده خواهانها به شمار آورده . در ارتباط با این مطلب خاطرنشان می سازد که در قرارداد شرایطی در باره فورس ماژور قید گردیده است ، اما هیچیک از طرفین بدان استناد ننموده است .

به علت نقص مدارک و به دلیل وجود مشکلاتی در تعیین میزان نسبت " دقیق خسارات در این مورد ، اقدام دیوان دائم بر تخمین میزان خسارت قابل توجیه است . با توجه به اشکالاتی که طرفین در تهیه تما مدارک دارند ، دیوان متذکرمی شود که در مواردی مدارک ناقص بوده و دلیل نقص ذکر نگردیده ، دیوان چاره ای ندارد جزا اینکه بر استنباط های تکیه گند که از اوضاع و احوال معلوم حاصل شده است .

دیوان معتقد است که در این مورد باید خساره بشه میزان تخمینی ۱،۰۰۰،۰۰۰ دلار آمریکا به خواهان پرداخت گردد .

۲ - مجموع مبالغ اصل بدهی به خواهان

علیهذا ، دیوان داوری براین عقیده است که خواهان حقوق دارند ۳۹/۲۲۳، ۸۴۸ دلار آمریکا با بت صورتحساب مربوط به تامین پرسنل ، ۷۰/۷۵۷، ۲۵۷ دلار با بت آن قسمت از حق الزحمه ثابتی که در مورد آن صورتحساب صادر شده و ۱، ۰۰۰، ۰۰۰ دلار با بت خسارات ناشی از عدم التفع دریافت نمایند که بدینترتیب اصل مبلغ کل " ۲، ۱۰۵، ۲۴۱ دلار آمریکا بالغ می گردد .

۳ - ادعاهای متقابل

دو ادعای متقابل اولی که دیوان داوری قبول کرده است جهت رسیدگی بدانها صلاحیت دارد مبتنتی بر همان مبانی حقوقی است که دفاعیات نیروی دریائی در مورد نقض قرارداد عدم اعتبار قرارداد برآنها استوار می باشد . برای اینکه نیروی دریائی بتواتر در مورد ادعاهای متقابل مذکور حاکم شود ، لزوماً " باید در این دفاعیات نیز حاکم گردد . از آنجا که دیوان داوری قادر به تأیید موضع نیروی دریائی در دفاعیات خود نبوده است ، باید در مورد ادعاهای متقابل حاضر نیز علیه نیروی دریائی رای دهد . بنابراین ، این ادعاهای متقابل مردود شناخته می شوند .

در مورد ادعاهای متقابل مربوط به حق بیمه اجتماعی ، خوانده نامه مورخ ۷ مارس ۱۹۸۲ (۱۶ اسفندماه ۱۳۶۰) سازمان بیمه های اجتماعی به نیروی دریائی ایران را به عنوان مدرک تسلیم کرده است . نامه نشان می دهد که مبلغ ۴۸۹، ۴۵۶، ۱۲۲ ریال با بت حق بیمه و خسارات در ارتباط با قرارداد موردنده شماره ۴۱ مذکور در فوق که همراه این پرونده است ، مورد مطالبه می باشد . این نامه به تنهائی نمی تواند دلیل کافی جهت مسئولیت پامروی کورپوریشن بلت حق بیمه اجتماعی محسوب شود . در این مورد ، متذکر می گردد این نامه که هیچگونه سند تأییدی به همراه ندارد ، مبنای محاسبه حق بیمه را به نحوی قانع کننده وضیح نمیدهد سات و جهده این مطلل ، و با توجه به اسنادی که خواهانها در رد ادعاهای متقابل مربوط به حق بیمه اجتماعی ارائه داده اند ،

از جمله شها دت حسا بدا رقسم خورده ای که بر تما م امور مالیاتی پا مروی کورپوریشن در مدتی که آن شرکت درایران فعالیت می کرده ، نظارت کلی داشته است به نظر دیوان داوری دلیل کافی برای وجود بدھی با بابت حق بیمه مزبور در دست نیست . بنابراین ، با یاد این ادعای متقابل مردود شناخته شود .

خوانده در مورد ادعای متقابل با بابت مالیات صرفا " بهنا مه مورخ ۱۶ مارس ۱۹۸۲ (۱۳۶۰/۱۲/۲۵) اداره کل مالیات ها به نیروی دریائی ایران استناد می کند . طبق این نامه میزان بدھی پا مروی کورپوریشن با بابت مالیات بالغ بر ۶،۴۷۵،۸۱۳ ریال است . به نظر دیوان داوری ، نظیر مورد مربوط به ادعای متقابل با بابت حق بیمه اجتماعی و با توجه به مدرک معارضی که ارائه گردیده ، این نامه نیز نمی تواند دلیل کافی برای اثبات بدھی مالیاتی پا مروی کورپوریشن محسوب گردد . از این رو ، دیوان این ادعای متقابل را رد می کند .

راجع به ادعای متقابل با بابت هزینه های تلفن ، دیوان داوری متذکر می شود که در ماده ۴ قرار داد تصریح شده است که نیروی دریائی ، از جمله موظف است که دفتر کار و اسباب کارا داری ، منجمله خدمات مربوط به تلفن و تلکس را در اختیار پا مروی کورپوریشن قرار دهد . به نظر دیوان مفهومی که از این جمله مستفاد می شود باید چنین باشد که کلیه هزینه های مربوط به این گونه خدمات به عهده نیروی دریائی است . لذا این ادعای متقابل را نمی توان پذیرفت .

۴ - بهره با بابت مبالغ واجب الادا

خواهانها با بابت تا خیر در پرداخت مبالغ مزبور بجهه ای به نرخ مناسبی که دیوان تعیین خواهد کرد مطابق لبه می کنند .

دیوان داوری برای نظر است که خواهانها استحقاق دارند که با بابت عدم پرداخت وجوهی که خوانده به آنان مديون بوده است ، خسارت دریافت نمایند و میزان خسارت را در این مورد ۸۵۰،۰۰۰ دلار تعیین می کند .

۵ - هزینه‌های داوری

خواهانها درخواست کرده‌اند که با بت هزینه‌های داوری مبلغ ۲۱۸،۱۳۵ دلار به آن پرداخت شود. نظردیوان داوری بدینقرار است که با توجه به اوضاع و احوال این پرونده خواهانها به موجب مواد ۳۸۱ و ۴۰۴ قواعد دیوان داوری، استحقاق دارند. بابت هزینه‌های داوری مبلغ ۲۵،۰۰۰ دلار دریافت نمایند.

ششم - حکم

حکم دیوان داوری به شرح زیر صادر می‌شود:
بدینوسیله ادعاهای متقابل خوانده، دولت جمهوری اسلامی ایران مردود شناخته می‌شود.

خوانده، دولت جمهوری اسلامی ایران، ملزم است که به خواهانها، آر.ا.ن. پامروی ک.ا.س. پامروی و آر.ا.م. پامروی، مجتمعاً، مبلغ دو میلیون و نهصد و هشتاد هزار و دویست و چهل و یک دلار و نه سنت آمریکا (۲۴۱/۰۹، ۲۰۹۸۵، ۲۴۱ دلار آمریکا) پرداخت نماید. این پرداخت از حساب تغمینی که به موجب بند ۷ بیانیه مورخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دیماه ۱۳۵۹) دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر افتتاح شده است، صورت خواهد گرفت.

بدينوسيله اين حكم جهت ابلاغ به کارگزار امانی به ریاست دیوان داوری تسلیم می گردد.

لَا ه

به تاریخ ۸ ذوئن ۱۹۸۳ برابر با ۱۴۶۲ هجری خوردادماه

Wissenswert

شیخ، شمس

سناه خدا

م . جہانگیر ثانی

R.M. Wool
ریچارڈ ام۔ ماؤل